

قاتلان جایشان در سازمان جهانی کار نیست
جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود!، صفحه ۹



برنامه توسعه هفتم تیغ نیزی بر گلوی کارگر
پویان پیروز، صفحه ۲

در اهمیت اخراج جمهوری اسلامی از ILO
یاشار سهندی، صفحه ۴

زیربنای الاغ از خمینی تا خامنه‌ای - اصغر کریمی
صفحه ۵

تجمع خانواده های زندانیان محکوم به اعدام و شعاردهی ها علیه اعدام
صفحه ۹

تجمع و اعتراض بازنشستگان و ادامه اعتصاب رانندگان کامیون
صفحه ۸

تمکین دولت بلژیک به گروگانگیری جمهوری اسلامی شرم آور و محکوم است!
صفحه ۸

سومین روز فراخوان علیه اعدامها، اعتراضات مردمی و تحصن زندانیان در اوین صفحه ۷

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان در چندین شهر و چند خبر دیگر صفحه ۱۰

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و اخباری دیگر صفحه ۴

به اعدام عزیزانمان پایان دهید!

خانواده های دادخواه ساکن ایران در بیانیه ای خواستار توقف احکام اعدام شدند، صفحه ۱۲

در سالگرد سی خرداد شصت به میدان بیاییم!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی (CFPPI)، کمیته بین المللی علیه اعدام (ICAE)

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)، صفحه ۱۱

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۸۱

۸ خرداد ۱۴۰۲

۲۹ مه ۲۰۲۳



چهارشنبه ها منتشر میشود

جدال با جمهوری اسلامی
در سازمان جهانی کار
شهلا دانشفر، صفحه ۱۰

لایحه سرنگونی در دستور
کار کارگران
یاشار سهندی، صفحه ۳

زندانشان "کارگاه روح
مددجو"
کاظم نیکخواه، صفحه ۵

گزارش دریافتی از
آبادان
مهری از آبادان، صفحه ۶

نظاها بزرگ مردمی
در زاهدان صفحه ۱۲

سالگرد فاجعه متروپل
آبادان و اعتراضات مردمی
صفحه ۶

مدیای اجتماعی
صفحات ۱۱-۱۲

برنامه توسعه هفتم تیغ تیزی بر گلولی کارگر

پویان پیروز

استاد شاگردی (ارباب رعیتی) که در دولت احمدی نژاد در متن پیشنهادی لایحه تغییر قانون کار گنجانده شده بود که به کارفرما اجازه می دهد نیروهای تازه کار را ظالمانه و آشکارا مورد استعمار قرار دهد. تلاشهایی هم برای جلو آوردن و اجرایی کردن این طرحها شد. اما زیر فشار اعتراض کارگران عقب زده شد.

سردمدار طرح استاد شاگردی، یک موسسه خیریه به نام نذر اشتغال امام حسین در اصفهان است که دست کم از سال ۱۳۹۴ با لابی گری در مجلس کوشش کرده این طرح و همینطور طرح مزد منطقه ای را به تصویب برساند. این موسسه متعلق به سران سپاه و مجموعه ای از مدیران شرکت های فولادی کشور است و همدستانی در مجلس و اتاق بازرگانی ایران دارند. اکنون به نظر می رسد پس از ۸ سال کوشیده اند که این بار نه با تغییر قانون کار بلکه در قالب برنامه توسعه به هدف خود نزدیک تر شوند. سال گذشته مدیرعامل این موسسه که مالک دهها شرکت فولادی، تولیدی و بازرگانی است با بیشرمی تمام در یک مصاحبه تلویزیونی وقیحانه گفته بود "من قانون کار را دور میزنم و دستمزد کمتر از حداقل قانون به کارگرانم پرداخت میکنم و کارگر هم راضی است چون می خواهد بیکار نباشد".

ماده ۱۶ برنامه توسعه از این هم فراتر رفته و با هدف آنچه "تقویت انگیزه بنگاهها برای افراد متقاضی به کار تحت پوشش بهیشتی یا کمیته امداد یا مرتبط با سازمان زندانها" خوانده شده، شرایط انعقاد قرارداد کار با این دسته از افراد با پرداختهای کمتر از حداقل دستمزد را فراهم کرده است. حال آن که دو تبصره ماده ۴۱ قانون کار تاکید می کند که حداقل دستمزد باید بر اساس نرخ تورم و نیز هزینه زندگی یک خانوار کارگری تعیین شود.

موضوع دیگر مربوط به سن بازنشستگی است. در فصل چهارم و در بخش مربوط به صندوق های بازنشستگی قانون کار حداقل سن لازم برای بازنشستگی در سال اول اجرای برنامه ۵۳ سال در نظر گرفته شده است و برای مشاغل سخت و زیان آور نیز زنان باید ۴۵ سال و مردان ۵۰ سال به بالا سن داشته باشند تا بتوانند از بازنشستگی سخت و زیان آور استفاده کنند. ماده ۶۷ لایحه توسعه پا را از این فراتر گذاشته و دست به اصلاح و تغییر پارامتریک نحوه محاسبه حقوق بازنشستگان زده است. برابر این ماده از زمان ابلاغ برنامه توسعه هفتم، به جای مبنای قرار دادن دو سال پایانی اشتغال کارگران از این پس می بایست متوسط حقوق ۵ سال پایانی و آخر اشتغال آنها مبنای قرار گیرد که این موضوع می تواند به کاهش چشمگیر حقوق بازنشستگی کارگران منجر شود و در صورت تصویب چنین قوانینی با توجه به تورم افسارگسیخته، زندگی هزاران کارگری که در آستانه بازنشستگی قرار دارند به خاک سیاه خواهد نشست.

تصویب چنین لایحه ای بدون شک آتشی بر باروت خشم و نفرت کارگران و کل جامعه خواهد بود. این طرح دامنگیر بخش بزرگی از جوانانی میشود که تازه وارد بازار کار میشوند و اجرای آن جنبش اعتراضی قدرتمندی را در پی خواهد داشت. بعلاوه این لایحه تاثیر مستقیمی بر وخیم تر شدن وضع معیشتی بازنشستگان این بخش رزمنده جامعه دارد و روشن است که بازنشستگان در برابر آن خواهند ایستاد. بویژه در شرایطی که جنبش علیه فقر و گرانی جنبشی اجتماعی و قدرتمند و یک رکن مهم انقلاب زن زندگی آزادی است، شکست این لایحه محتوم است.

در مقابل این حجم از وقاحت و بیشرمی حکومت در هر چه بیشتر گرسنه نگه داشتن مردم و تحمیل فقر مضاعف و بی حقوقی افزون تر از گذشته و ارزان سازی بیشتر نیروی کار، باید متحدانه ایستاد. جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند و برود.

سال ۱۳۶۸ و پس از جنگ ۸ ساله با عراق، مقامات دولت و مجلس اسلامی وقت به این نتیجه رسیدند که سیاست های اقتصادی و برنامه ریزی و اجرای طرحهای عمرانی و اقتصادی نیازمند به هماهنگ بودن با الگوهای اقتصاد سرمایه داری جهانی است.

این رویکرد به شکل گیری دوره ای انجامید که به آن "دوره سازندگی" گفته میشود که با تعدیل های اقتصادی پر شتاب همراه بود و کارگران بسیاری هم از کار بیکار شدند. در همین جهت حکومت کوشید با آزادسازی قیمت کالاها و مقررات زدایی در بخش های بسیاری از جمله در سرمایه گذاری و واردات و برداشتن محدودیت های موجود، سیاست های جدید خود را با سرعت بیشتری به پیش برد.

یکی از نتایج این سیاست و رویکرد اقتصادی، همزمان با استقرار های گسترده از بانک جهانی، رشد و گسترش بخش به اصطلاح خصوصی و دادن نقشی پررنگ و قوی در به آن در اقتصاد ایران بود.

نوربخش، وزیر اقتصاد و دارایی وقت بعد ها درباره شرایط آن دوران گفته بود: "باید اعتراف کرد که در آن مقطع ما هیچگونه تئوری منسجم و مشخص حداقل در زمینه اقتصاد در ذهن نداشتیم اما به تدریج، در یک فرایند زمانی و بر اساس تجربه به سمت یک تئوری مشخص حرکت کردیم". این تئوری مشخص در حقیقت چیزی جز گشودن راه تازه و ساده تری برای غارتگری و چپاول بیشتر اموال عمومی توسط گروههای مختلف و متعدد در قدرت و دستیابی آنها به ثروتهای افسانه ای و نجومی نبود. و آثار به جا مانده از این سیاست را سالهاست در فقر و نابرابری، کوچک شدن سفره مردم، تورم و گرانی فزاینده، پولی سازی و کالایی شدن آموزش، افزایش سرسام آور هزینه های بهداشتی و درمان، رشد نرخ شاخص فلاکت، ناامنی شغلی بیشتر برای کارگران و غارت مزدی آنها و صدها معضل و بحران دیگر می توان دید.

تا سال ۱۴۰۰ در ایران شش برنامه توسعه به اجرا گذاشته شده است. در ادامه پیشبرد این سیاست اکنون دولت رئیسی لایحه برنامه توسعه را آماده تحویل به مجلس کرده است. لایحه ای که حتی اگر مصوب شود با توجه به اقتصاد به گل نشسته حکومت و فضای ملتهب اعتراضی جامعه راه به جایی نخواهد برد. بنا بر گفته برخی اقتصاددانان مستقل از حکومت، با توجه به وضعیت بحران زده و آشفته اقتصاد ایران که به شدت هم در حال ضعیف تر شدن است، این برنامه در حقیقت مجموعه ای از آرزوهاست که قدرت تحقق و اجرایی شدن را ندارد.

نکته مهم درباره این برنامه اما، ادامه تعدیل های ساختاری گذشته، بیکارسازیهای گسترده و اعمال سیاستهای ریاضتی با فشار حداکثری بر مردم و به ویژه کارگران و بازنشستگان است.

افزایش سن بازنشستگی، تعیین سن بازنشستگی برای مشاغل سخت و زیان آور، تغییر پارامترهای محاسبه حقوق بازنشستگان، افزایش مالیات ها و سهم بیمه کارگران و احیای نظام استاد شاگردی از جمله سیاست هایی است که در برنامه توسعه هفتم پیش بینی شده و تیغ تیزی آن بر گلولی کارگر و بازنشسته گذاشته شده است.

در فصل اول این برنامه که مربوط به اقتصاد است، به صراحت در ماده ۱۵، به کارفرما اجازه داده شده تا "در سه سال اول اشتغال به کار هر فردی" حداقل دستمزد به صورت یک دوم یعنی نصف دستمزد مصوب پرداخت شود. ضمن اینکه کارفرما حق "لغو قرارداد" فرد را نیز داشته باشد. این در حالی است که مطابق با ماده ۱۱ قانون فعلی کار ایران، حداکثر مدت دوره آزمایشی برای کارگران ساده و نیمه ماهر یک ماه و برای کارگران ماهر و دارای تخصص سطح بالا سه ماه است.

این ماده از لایحه برنامه توسعه هفتم تلاشی است برای احیای نظامی تحت عنوان

توسط سرمایه دار را تضمین کند و برای اینکار طرحها و مصوبات بسیاری را جلو آورده است. اما امروز تفاوت اینجاست که لایحه هفتم توسعه در متن انقلاب زن زندگی آزادی مطرح شده است، انقلابی که سرنوشت محتوم این حکومت، سرنوشتی را تضمین کرده است.

جمهوری اسلامی چاره ای ندارد جز اینکه نشان دهد میتواند بر اوضاع مسلط شود. اما طرح چنین لویحی مانند هر اقدام دیگر این حکومت به تف سربالا برای خودش تبدیل خواهد شد. این لایحه به مجلس اسلامی سرمایه تا با سلام و صلوات به تصویب برسد. اما تصویب کردن آن هیچ تغییری در رابطه با مردمی که قصد سرنوشتی این حکومت را دارند نخواهد داد.

فعالین کارگری غافلگیر نشده اند بلکه بر اهمیت نقش و وظایف خود بیشتر پی میبرند. لویحی از این دست اسناد مهمی هستند، از این جهت که ثابت میکنند که حکومت اسلامی سرمایه تا آخرین لحظه که سرکار بماند از هیچ تلاش و کوشش تبهکارانه ای برای تعرض به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه کوتاهی نخواهد کرد و مبارزه با این حکومت در "سنگر خیابان" روز به روز مهمتر و حیاتی تر می گردد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران در بخش پایانی بیانیه ای اختصاصی در مورد لایحه ضد کارگری برنامه هفتم حکومت مینویسد: "در پایان باید به این نکته مهم هم اشاره کنیم که همه شواهد نشان میدهد که سال ۱۴۰۲ سالی پر از اعتصابات و تجمعات کارگری و تظاهرات دانشجویی و دیگر اقشار محروم جامعه بوده و خواهد بود. در شرایطی که تشکلات مستقل کارگری از هرگونه فعالیتی ممنوع هستند، کارگران همچنان به مبارزه در سنگر خیابان برای ابراز خشم خود و رساندن پیام خود به دیگر هم سرنوشتی های خود ادامه میدهند. مهمتر آنکه، تنها با اتحاد بین کارگران، معلمان، پرستاران، کارمندان و تمامی مزدبگیران جامعه و با دست بردن به اعتصابات و اعتراضات گسترده در تمامی کارخانجات و مراکز صنعتی و تولیدی بزرگ و کلیدی و تنها در یک تغییر موازنه قوا به نفع کارگران و دیگر مزدبگیران است که میتوان و باید این سیستم غیرانسانی را واژگون و بجای آن نظامی عاری از هرگونه ستم انسان بر انسان را پایه گذاری نمود."

این ادعای گزافی نیست، بلکه تاکید بر حقیقتی عریان است. تا همین جا بارها جمهوری اسلامی سعی کرده لایحه های ضد کارگری خود را جهت تشدید استعمار از آنچه که جاری است مطرح کرده و بارها مجبور شده بخاطر اعتراض و مبارزه کارگران عقب بنشیند. اما همانگونه که اشاره شد ما امروز در بطن انقلابی زیر و رو کننده قرار داریم. جمهوری اسلامی برای بورژوازی خوش رقصی میکند؛ اپوزیسیون راست در تلاش خود برای اینکه به بورژوازی نشان دهند اترناتیو مناسبی برای جمهوری اسلامی است و میتواند بساط استعمار وحشیانه را برای سرمایه تضمین کند به بن بست خورده است. اما از سوی دیگر کارگران در بستر یک مبارزه طولانی در کف خیابانها روز بروز بیشتر بر اینکه میتوانند کل جامعه را رها کنند تا در نتیجه خود رها شوند باور یافته و به یک نیروی قوی و موثر تبدیل شده اند. لایحه واقعی ای که در دستور کار کارگران است و به نیروی انقلاب قابلیت اجرا دارد، سرنوشتی سریعتر رژیم اسلامی سرمایه است.

لایحه سرنوشتی در دستور کار کارگران

یاشار سهندی

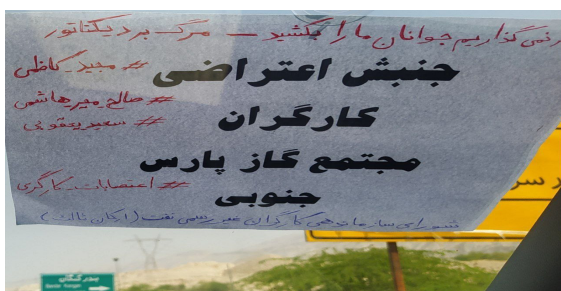
این گونه که از اخبار منتشر شده بر می آید جمهوری اسلامی به مانند سقوط رژیم فاشیستی در آلمان نازی، تا آخرین دقیق هر کسی را که می توانست در ویرانه های برلین اعدام میکرد، امروز در سراسر سقوت بدنبال گردن برای طناب دار خود میگردد. در همین راستا و بر اساس اخبار منتشر شده دولت رئیسی "لایحه برنامه هفتم توسعه برای سالهای ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۶" را به مجلس اسلامی خواهد فرستاد؛ و طبق بندهایی از این لایحه، استعمار وحشیانه کارگران توسعه بیشتری خواهد یافت. بر اساس این لایحه حکومت قصد دارد که "نظام استاد و شاگردی" را احیاء کند. طبق آنچه منتشر شده از جمله در ماده ۱۵ این لایحه آمده است: "به منظور رفع موانع مؤثر بر به کارگیری نیروی کار جدید توسط کارفرمایان و توسعه کسب و کارها و همچنین جذب تازه واردین به بازار کار و احیای نظام استاد-شاگردی و ترویج آموزش های عملی حین کار در سه سال اول ابتدای اشتغال، افراد مقررات زیر، حاکم است.

الف- حداقل دستمزد و مزایا برای این افراد معادل یک دوم حداقل دستمزد و مزایای مصوب شورای عالی کار است و بر همین اساس کسورات بیمه پرداخت می شود. در این حالت سنوات شاغل بر مبنای یک دوم، محاسبه می شود. ب- کارفرما در طول این دوره اختیار لغو قرارداد را به صورت یک طرفه دارد. . همچنین در ماده ۱۶ این لایحه به کارفرمایان اجازه داده میشود که به افراد با شرایط خاص که تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی هستند، کمتر از حداقل دستمزد مصوب سال پرداخت کنند. همچنین افرادی که از سوی "سازمان زندان ها" معرفی می شوند، شامل این موضوع خواهند شد. نکات قابل توجه دیگری نیز در این لایحه ضد کارگری وجود دارد که قابل توجه است. از جمله "بر طبق ماده ای از این لایحه حداکثر سقف مجاز برای قراردادهای موقت کارگران ۴ سال خواهد شد. که بر اساس ماده ۱۵ این لایحه کارفرما با استفاده از "اختیار لغو" قرارداد در پایان این سه سال براحتی قادر به اخراج کارگران است و منتظر نمی ماند تا دوره قرارداد کارگر به چهار سال برسد... این ماده امنیت شغلی کارگران را بیشتر به خطر می اندازد.

رادیو فردا در گزارشی در مورد این لایحه آورده است: "انتشار جزئیات لایحه برنامه هفتم توسعه، جامعه کارگری ایران را یک بار دیگر غافلگیر کرده است... و بعد در ادامه گزارش سایت رادیو فردا متوجه میشویم منظور ایشان از "غافلگیری جامعه کارگری ایران" مزدوران شوراهای اسلامی کار می باشد که در بازی دیگری از باند رقیب رودست خورده اند. طبق لینکی که رادیو فردا برای اثبات حرف در گزارش خود درج کرده، در آذر ماه سال ۱۴۰۱ در سایت ایلنا به قلم خانم نسرين هزاره مقدم میخوانیم: "استفاده از پارادایم «استاد-شاگردی» در ادبیات فرادستان، پیش از این نیز بارها سابقه داشته است؛ ... که تا امروز توفیق یارشان نبوده است؛ ... پیش از آغاز به کار دولت سیزدهم، در طرح های گنج آفرین اما در باطن رنج آفرین اتاق های بازرگانی از طرح استاد-شاگردی با این استدلال که "بیکاری" را از میان برمی دارد و به مهارت آموزی نیروهای جوان کمک می کند، استقبال و قدردانی شده بود و این طرح را به عنوان یک راهکار کارآمد و مناسب به دولت سیزدهم پیشنهاد داده بودند! ..."

بنابراین هیچ غافلگیری ای در کار نیست. این لایحه نشان از این دارد که دولت اسلامی سرمایه داران مشغول کار خویش است و مزدوران ساکن در خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار از چند و چون آن بی خبر نیستند، صدای ایشان تنها برای این بلند میشود که شاید بتوانند جلوی اعتراضات علیه رژیم اسلامی سرمایه را بگیرند.

جمهوری اسلامی سرمایه در همه سالهای عمر نکبت بار خود، همیشه تلاشش این بوده که نشان دهد بهتر از هر جناحی در میان بورژوازی میتواند استعمار کارگر





اعتراض در محل اجلاس سازمان جهانی کار باید جلوه ای باشد از انقلاب جاری در ایران. این اعتراض باید نشان دهد که نیرویش را از جنبشی میگیرد که در کف خیابان بدنبال گرفتن حق خود است. باید نشان داد که کارگران بدنبال حق مسلم خود، معیشت و منزلت هستند، خواسته هایی که هر انسان شریفی در هر گوشه دنیا به آن توجه نشان میدهد. متحدانه به پیش، برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار.

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و اخباری دیگر

روز ۸ خرداد بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های گذشته در اعتراض به فقر و گرانی و بی تامینی و برای پیگیری خواسته هایشان مقابل ساختمان مخابرات در شهرهای مختلف تجمع کردند. این تجمعات در این هفته در مشهد، ارومیه، میوان، ایلام، کرمانشاه، اهواز، خرم آباد برگزار شد.

در این اعتراضات بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر ملت"، "هزینه ها دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "عدالتی ندیدیم، فقط دروغ شنیدیم"، "برای رفع تبعیض، عدالت، عدالت"، "اینهمه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی"، و "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه". روز گذشته نیز بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز و شوشتر تجمع داشتند.

امروز همچنین کارگران شرکت گندله سازی مادکوش بندرعباس در اعتراض به عدم تحقق مطالبات شان و وضع بد معیشتی خود بار دیگر دست از کار کشیده و تجمع کردند.

همچنین کارگران نفلین سینیت کلیبر برای دومین روز دست به اعتصاب و تجمع زدند. اعتراض این کارگران به عدم انعقاد قرارداد کاری و تعویق پرداخت دستمزد و حق بیمه شان و وضع بد معیشتی شان است.

در ادامه سرکوبگری های حکومت روز گذشته فرهاد شیخی از مدافعین حقوق کارگران، توسط نیروهای اداره اطلاعات در منزل شخصی خود واقع در هشتگرد کرج بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل گردید. فرهاد شیخی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. یک کارزار مهم مردمی کارزار برای آزادی کارگران زندانی، معلمان دربند، بازداشت شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی است. سی خرداد روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را امسال نیز باید به یک حرکت اعتراضی سراسری و گسترده علیه سرکوبگریهای حکومت و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی تبدیل کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ خرداد ۱۴۰۲، ۲۹ مه ۲۰۲۳

در اهمیت اخراج جمهوری اسلامی از ILO

یاشار سهندی

مماشات با این حکومت هستند را بیش از پیش می بندد. باید به قول معروف کاری کرد که دول غربی برای هر اقدامی که میخواهند انجام دهند دوبار به آن فکر کنند. باید هزینه مماشات با حکومت اسلامی را برای آنها سنگین ساخت.

اخراج رژیم اسلامی سرمایه از سازمان جهانی کار ممکن است و این مبارزه یک قدم مهم در انزوای جهانی جمهوری اسلامی است و کمک شایانی به انقلاب زن زندگی آزادی و نیز جنبش کارگری در ایران است.

در بطن انقلاب جاری حضور متحدانه با جمعیتی بزرگ در محل اجلاس سازمان جهانی کار ممکن است و باید اینگونه باشد. این وظیفه بیش از هر کسی بر دوش چپ و کمونیستهای ساکن کشورهای اروپایی سنگینی میکند. این انتظار بحق کارگران از نیروهاست. همیشه این نیروها از فعالین کارگری و کارگران انتظار داشتند که متحد کننده کارگران باشند. اکنون این وظیفه مهم بر دوش چپ و کمونیستهای ساکن در اروپاست که صدای بلند اعتراض کارگران ایران را در محل سازمان جهانی کار انعکاس دهند. دو فراخوان برای میتینگ اعتراضی در مقابل سازمان جهانی کار داده شده است. یکی از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی که در پنجم ژوئن برابر با پانزدهم خرداد ماه است که مصادف با اولین روز گشایش اجلاس این سازمان است و دیگری در نوزدهم خرداد ماه برگزار میشود. انتظار میرود با نیروی وسیعی در این میتینگ های اعتراضی شرکت نمود

هیت ارسال سرکوبگران حاکم بر ایران به هیچوجه نماینده کارگران ایران نیستند. باید با بزرگداشت کارگران جان باخته در انقلاب زن زندگی آزادی و توزیع عکسهای این عزیزان نشان داد که جمهوری اسلامی قاتل کارگران است، نماینده کارگر نیست.

اجلاس سازمان جهانی کار در پانزدهم خرداد ماه آغاز میشود و با گذشت هشت ماه از انقلاب زن زندگی آزادی برای سرنگونی این حکومت جنایتکار، این سازمان با وقاحت تمام میزبان این حکومت است. جمهوری اسلامی 44 سال است که با جنایت و سرکوب و با اتکاء به صنعت مذهب برگرد مردم سوار است و وحشیانه ترین استثمار و بهره کشی را بر کارگران تحمیل کرده است. این حکومتی است ضد کارگر و ضد انسان که بخاطر همه جنایاتش باید در جهان به انزوا کشیده شود و از جمله از سازمان جهانی کار اخراج گردد. حضور نمایندگان دست ساز حکومتی در اجلاس های سازمان جهانی کار یک موضوع اعتراضی هر ساله کارگران در ایران بوده است. اما امسال تفاوت اینجاست که کارگران و مردم ایران امروز علیه کل بساط حاکمیت این رژیم به پا خاسته اند و خواستار اخراج آن از این سازمان و از تمام مراجع بین المللی هستند.

به عبارت روشتر امسال در تداوم انقلاب مبارزه برای اخراج جمهوری اسلامی اهمیت دو چندان پیدا کرده است. و امروز علیرغم اینکه جمهوری اسلامی در خفا مشغول زد و بند با دول اروپایی و امریکاست و در این بده و بستان کثیف تروریستها جمهوری اسلامی با دولتها شهروندان اروپایی گروگان گرفته شده مبادله میشوند، بیش از پیش افکار جهانی با ما کارگران و ما مردم است و همانگونه که اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن ملل متحد ممکن شد، همانطوریکه بواسطه فشار انقلاب زن زندگی آزادی، تعطیلی مرکز جاسوسی جمهوری اسلامی در لندن ممکن شد؛ اخراج جمهوری از سازمان جهانی کار ممکن و شدنی است. مبارزه برای بایکوت کردن حکومت اسلامی دست این حکومت و دولتهایی که در حال

زیربنای الاغ از خمینی تا خامنه‌ای - اصغر کریمی

معاون رئیس سازمان برنامه و بودجه: "دولت سه هزارهزار میلیارد تومان (یعنی حدود ۶۰ میلیارد دلار) بدهی و ۷۹۴ میلیارد تومان (حدود ۱۶ میلیارد دلار) ری بودجه دارد."

بدهی دولت شامل بدهی به بانک‌ها، بانک مرکزی، صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی، پیمانکاران بخش عمومی و خصوصی و اوراق قرضه‌ای است. حساب ذخیره ارزی را خالی کردند. صندوقهای بازنشستگی را بالا کشیدند، اسکناس چاپ کردند و همه اینها تورم را شدت داد بطوری که تورم به بالاترین حد خود در طول حاکمیت جمهوری اسلامی یعنی بالای ۶۰ درصد رسید ولی مشکلی از بحران اقتصادی حکومت کم نکرد. آخرین طرح دولت بدستور خامنه‌ای طرح مولدسازی از طریق فروش اموال دولتی است که معنی‌اش زدن از بسیاری از باقیمانده خدمات است. همه اینها یعنی تورم و فقر بیشتر و ریاضت و بیکاری بیشتر برای مردم، و در مقابل استثمار بیشتر و چاپیدن بیشتر اکثریت مردم توسط قشر انگل حاکم.

برای همه روشن است که در جمهوری اسلامی هیچ راه حلی برای حل یا حتی تخفیف بحران اقتصادی وجود ندارد و سال ۱۴۰۲ وضعیت اقتصادی اکثریت مردم وخیم‌تر میشود و حتی اگر برجام به جایی برسد، یا صدها میلیارد دلار پول‌های بلوکه شده به جمهوری اسلامی پرداخت شود و فروش نفت هم به حداکثر خود برسد، بحران اقتصادی شدیدتر میشود و مردم خانه‌خوارتر میشوند.

خمینی در مهرماه ۱۳۵۹ در مقابل اعتصابات گسترده کارگری برای مطالبات رفاهی و برای فضا سازی علیه کارگران گفت اقتصاد زیربنای الاغ است اما خامنه‌ای



در پیام نوروزی امسالش گفت: "در سال ۱۴۰۲ هم مساله اصلی ما مساله اقتصاد است (معلوم شد اقتصاد زیربناست!). ما مشکل کم نداریم، مشکلات گوناگونی داریم، در زمینه فرهنگی، در زمینه سیاسی، لکن مساله اصلی و محوری در این سال هم مسئله اقتصاد است". صرفنظر از اینکه هدف خامنه‌ای از برجسته کردن اقتصاد، نادیده گرفتن مساله بی‌حجابی، و انقلابی است که هشت ماه است سران حکومت را وحشت زده کرده است، اما در عین حال اعترافی است به یک معضل حل‌نشده حکومت. معضلی که همه بحران‌های دیگر حکومت را تشدید میکند.

سال ۱۴۰۲ سال تعمیق بحران اقتصادی، تورم بیشتر، خانه‌خوابی بیشتر مردم، در گل گیر کردن عمیقتر حکومت، عدم توانایی حکومت در پرداخت حقوق حتی مزدورانش، سال تشدید بحران سیاسی حکومت و سال گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری علیه فاجعه اقتصادی و علیه حکومت فاجعه اسلامی است. سال ۱۴۰۲ سال قیام‌های شهری و پیوستن بیشتر مردم به انقلاب زن زندگی آزادی تاریخی‌ترین سال سیاسی در ایران است.

مندرج در ژورنال شماره ۴۲۸



جمهوری اسلامی حکومت وحشت زده ای است که برای سرپا ماندن میکشد. و با جنایاتش، جامعه را هر روز برای سرنگونی و جارو کردن کل این بساط توحش متحدتر و مصمم تر میکند. جنبش علیه کل اعدامها و علیه حکومت اعدام، به یک جنبش همگانی تبدیل شده است و همه کس از زن و مرد و پیر و جوان و حتی کودکان میدانند که جایی برای این حکومت در این جامعه نیست. هر روز از گوشه و کنار جامعه حتی از درون زندانها و شکنجه گاهها صدای جنبش انسانی علیه حکومت اعدام شنیده میشود. این صداها حکم سرنگونی قطعی حکومت اسلامی است. تظاهرات مسخره ای مثل "روز حمایت از خانواده زندانیان" و امثال اینها نه فقط کمکی به این حکومت نخواهد کرد، بلکه بدون هیچ تردیدی نفرت از آنرا گسترش داده و میدهد. با سرنگونی این حکومت کل پرونده اعدام این توحش عهد عتیقی برای همیشه بسته خواهد شد.

مندرج در نشریه ژورنال شماره ۴۲۹

زندانشان "کارگاه روح مددجو"

کاظم نیکخواه

سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی مسعود ستایشی درست در اوج اعدامهای هر روزه حکومت مدعی شده است که "سازمان زندانشان کارگاهی برای روح مددجو و حمایت از خانواده است". او همچنین گفت زندانشان قرار است "محل تربیت روح و روان و بازگشت مددجویان به آغوش جامعه و خانواده باشد". این سخنان در روز موسوم به "روز حمایت از خانواده زندانیان" بیان شده است.

منظور او از "مددجو" همان زندانی است. این نوع سخنان و این نوع روزها مثل روز حمایت از خانواده زندانیان، برآستی شکنجه کردن مردمی است که داستان‌های حکومت شکنجه و اعدام را بخوبی میدانند و فجایعی که در این بیغوله‌ها علیه عزیزان مردم هر روز صورت میگیرد، خواب راحت را از همه آنان گرفته است و نفرت و خشم از حکومت آدمکش اسلامی را در اعماق جامعه شعله ور کرده است.

ابعاد توحش جمهوری اسلامی قابل توصیف نیست. فقط زندانیان نیستند که شکنجه و اعدام میشوند بلکه خانواده‌ها و دوستان آنها نیز از شر گرگان اسلامی در امان نیستند. برای نمونه محمد هاشمی، پسرخاله مجید کاظمی، یکی از سه معترض اعدام شده پرونده موسوم به "خانه اصفهان" روز یکشنبه، ۳۱ اردیبهشت، در توثیبتی نوشت: "دیشب مأموران امنیتی به منزل مجید کاظمی حمله کردند و بعد از ضرب و شتم برادران و پدر و مادر، دو برادر مجید را در حالی که به شدت آسیب دیده بودند، دستگیر کردند و با خود بردند". این نمونه ای از "حمایت از خانواده‌های زندانیان" است! ننگ و نفرت بر جلادان وقیح حاکم.



سالگرد فاجعه متروپل آبادان و اعتراضات مردمی

امروز سه شنبه ۲ خرداد به مناسبت سالگرد فاجعه فروری سازی ساختمان متروپل آبادان و کشته و زخمی شدن دهها نفر از مردم در جریان این رویداد ناگوار که در سال گذشته روی داد، مردم بسیاری در این شهر به خیابان آمده و با اجتماع در خیابان امیری یاد عزیزان جانباخته این فاجعه انسانی را گرامی داشتند. فراخوان این تظاهرات از قبل داده شده بود و حکومت نیز برای جلوگیری از جمع شدن مردم نیروی سرکوب بسیاری در شهر مستقر کرده و خیابانها را بسته بود. اما علیرغم این مردم از همان آغاز صبح به سمت خیابان امیری حرکت کردند و تجمع اعتراضی خود را برپا کردند.

ساختمان متروپل سال گذشته دوم خردادماه به دلیل تخلفات ساختمانی ناشی از فساد مسئولین حکومتی، فروریخت و به فاجعه ای انسانی تبدیل شد و در جریان آن دهها نفر از مردم کشته و شمار بسیاری زخمی شدند. مردم که باندهای حکومتی و بساط اختلاسگری هایشان را عامل و مسبب این جنایت میدانستند و با چشم خود میدیدند که حکومت به جای کمک رسانی به مردمی که زیر آوار مانده اند، نیروی سرکوب به محل آورده است، در آن مقطع با سر دادن شعارهای کوبنده علیه کل حکومت مافیای اسلامی به خیابان آمده و نابودی این رژیم را فریاد زدند. از جمله شعار میدادند: "توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر رئیسی"، "اینهمه سال جنایت، مرگ بر این ولایت"، "و بسیجی بروگمشو"...

در اعتراضات مردم بر دو خواست معرفی و محاکمه علنی کلیه مسئولین و ارگان

های دخیل در فاجعه متروپل تاکید داشتند. اعتراضاتی که بیش از دو هفته به طول کشید و دامنه اش به دیگر شهرهای خوزستان کشیده شد و بعد نیز با موجی از اعتراضات حمایتی در شهرهای دیگر همراه شد. امسال در سالگرد جانباختگان فاجعه متروپل مردم مجدداً به خیابان آمده و فریاد دادخواهی سر میدهند.

حزب کمونیست کارگری ایران در سالگرد جانباختگان فاجعه انسانی متروپل بار دیگر همدردی خود را با خانواده های عزیزی که در این رویداد ناگوار جانشان را از دست دادند و مردم به جان آمده آبادان اعلام میکند و مردم در تمام شهرها را به حمایت از دادخواهی این خانواده ها و مردم آبادان فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ خرداد ۱۴۰۲، ۲۳ مه ۲۰۲۳



گزارش دریافتی از آبادان

طبق گزارشی که به واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری از آبادان رسیده است روز ۲ خرداد در آبادان به مناسبت سالگرد فاجعه انسانی متروپل شهر خیلی شلوغ بود. طبق فراخوان خانواده های جانباختگان متروپل قرار بود در ساعت ۱۲ ظهر به یاد قربانیان این فاجعه همه در خیابان امیری جمع شویم و مراسمی در متروپل برگزار کنیم.

اما نیروهای سرکوب اجازه جمع شدن در محل متروپل را ندادند. شهر حالت نظامی داشت. مرکز شهر را بسته بودند و به سختی از کوچه پس کوچه ها میشد به محل متروپل رفت. در آنجا خیلی سریع مردم را متفرق می کردند. به خیلی ها از قبل پیامک داده شده بود که حق شرکت در مراسم را ندارند. بلوک های بزرگی برای جلوگیری از ورود به خیابان ها گذاشته بودند. ولی ما از کوچه های اطراف وارد خیابان شدیم. علیرغم همه تدابیر امنیتی حکومت جمعیت زیادی از مردم به خیابان امیری آمده بودند. در جاهایی هم درگیر شدیم. یکی از شرکت کنندگان که در نتیجه تعقیب نیروهای سرکوب پایش شکست را مردم فراری دادند. در خیابان امیری جمعیت شعار میداد: شهدا زیر خاکند، متهمین آزادند.

در محل قبرستان هم جمعیت زیاد بود و مردم شعار "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان" می دادند. آقای بهبهانی پدر یکی از جانباختگان سال گذشته در متروپل در سخنرانی اش حکومت را مقصر اصلی این فاجعه خواند. نیروهای زیادی از لباس شخصی ها و نیروی انتظامی در قبرستان بودند. در این محل چند نفری هم دستگیر شدند که هنوز اسامی را نداریم.

از نظر ما مردم مسبب این فاجعه عبدالباقی فاسد در همدستی با باندهای دزد و چپاولگر حکومتی هستند. در نتیجه فروری سازی ساختمان متروپل در دوم خرداد سال

گذشته دهها نفر کشته شدند و تعدادی زیادی زخمی شدند. این برج ده طبقه ای واقع در خیابان امیری آبادان متعلق به هلدینگ ساختمان سازی عبدالباقی بود. خطر ریزش ساختمان از قبل هشدار داده شده بودند اما مشتی دزد و جنایتکار توجهی نکردند و این فاجعه صورت گرفت. ما مردم آبادان دادخواهیم و این جنایت را هرگز فراموش نمیکنیم.

مهری از آبادان

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @sazmande

به حزب کمونیست کارگری

پیوندید!

tamas.wpi@gmail.com

تجمع زنان سیاسی زندان اوین در حیاط بند

اعدام ها اراده مردم برای پایان دادن
به جمهوری اسلامی را استحکام
خواهد بخشید.



به قدرت و مطالبه‌ی عمومی مردمی تبدیل خواهد کرد. به نظر من تاوان و پیامد هر اعدام برای حکومت، تکثیر و تشدید قدرت مردمی برای سرنگونی حکومت خواهد بود." او با گفتن اینکه هر شش ساعت یک اعدام جنایتی است که نباید هیچکس آن را تحمل کند و در سخنانش خطاب به جهان به اقدامی عاجل برای توقف ماشین خشونت بار و بی رحم اعدام ها فراخوان داد. سخنران دیگر این تحصن گلرخ ایرانی بود. او در سخنان خود جمهوری اسلامی را محکوم کرد و خواستار توقف اعدامها شد و بر اعتراض در کف خیابان به عنوان راه موثر مبارزه علیه اعدام تاکید نمود. در این تحصن فائزه هاشمی نیز طی سخنانی گفت: "اگر حکومت در مجازات خلافکاران جدی‌ست، پس کیفر عاملین کشتارها در دهه شصت، قتل‌های زنجیره‌ای، جنبش سبز و ... چه شد؟ اعدام با هر عنوانی از جمله سب‌النبی، توهین به مقدسات، محاربه، ارتداد، افساد فی الارض و حتا جرائم مواد مخدر در شرایط امروز ما که عدالت به مسلخ رفته است محکوم است." همچنین نسرین خضری جوادى کارگر بازنشسته زندانی طی سخنانی اعدام ها را محکوم کرده و گفت: "ماشین اعدام و سرکوب جمهوری اسلامی سر باز ایستادن ندارد... تصمیم گیرندگان این جنایات باید بدانند که روز محاکمه آنان هم در دادگاه‌های عادلانه و مردمی فرا خواهد رسید. شکیلا منفرد نیز گفت: "اگر امروز اعتراض نکنیم فردا نوبت خودمان است... فرقی نمی‌کند به چه جرمی اعدام شده‌اند. اگر امروز اعتراض نکنیم فردا نوبت خودمان است." همچنین ویدا ربانی در محکومیت اعدام ها سخنرانی کرد و گفت: "سعید یعقوبی، صالح میر هاشمی و مجید کاظمی نه اولین و نه آخرین قربانیان مبارزه با ضحاک زمانه ما هستند. ثانیه به ثانیه تداوم این حکومت جنایت علیه بشریت است." بهاره هدایت یکی دیگر از زندانیان سیاسی نیز گفت: "اگر می‌گوییم براندازیم، اگر می‌گوییم جمهوری اسلامی دشمن مردم ایران است، باید بدانیم که در درون خود این گزاره‌ها منطق و استلزامات عمل سیاسی ما نهفته است." زهره سرو زندانی سیاسی دیگری در این تحصن طی سخنانی چنین گفت: "باز هم حکومت اشغالگر ضحاک بهترین دفاع را حمله دانسته و با اعدام قصد ارباب و عقب نشاندن مردم را دارد. اما اعدام نه تنها بازدارنده نیست بلکه نتیجه عکس خواهد داشت. حال چرا یک بام و دو هوا؟... هیچ‌گاه اعدام و ایجاد ارباب برای هیچ دیکتاتوری حاشیه امن بوجود نیاورده است. به زودی شاهد خیزش سراسری مردم خواهید بود و سرنگونی از رگ گردن به شما نزدیکتر است. ما قاطعانه به این حکومت خونخوار و زن‌ستیز پایان خواهیم داد." همچنین سپیده قلیان از فعالین سیاسی دیگر زندان نیز طی سخنانی در محکومیت اعدام ها سخن گفت و مهوش شهریاری ضمن تسلیت به خانواده‌های اعدام شدگان از شدت گرفتن اعدام‌ها ابراز تاسف و نگرانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ خرداد ۱۴۰۲، ۲۳ مه ۲۰۲۳

سومین روز فراخوان علیه اعدامها، اعتراضات مردمی و تحصن زندانیان در اوین

امروز دوم خردادماه سومین روز فراخوان شماری از خانواده های دادخواه و تشکلهایی از کارگران، بازنشستگان و مدافعین حقوق کودک و حقوق زن و در دل جامعه پرتلاطم و در ادامه انقلاب است. مردم در بیانیه هایشان، در شعارهای اعتراضی خود و در سخنان اعتراضی شان به محکمی اعلام کرده اند که این اعدامها تقلایی کثیف برای عقب زدن انقلاب است و با اعدام نمیتوانید ما را از مبارزاتمان عقب بزنید. گسترش اعتراضات در کف خیابان و دردانشگاهها و در درون و بیرون زندانها پاسخ محکم مردم به اعدامها و سرکوبگریهای حکومت است.

امشب نیز در محلاتی در تهران و شهرهای دیگر همچون ملایر مردم با فریاد شعارهای ضد حکومت و شعار مرگ بر حکومت اعدام صدای اعتراض خود را بلند کردند. همچنین در متروی پالایشگاه تهران نزدیک بهشت زهرا جمعی از جوانان با برافراشتن تصویر کشته شدگان انقلاب #زن_زندگی_آزادی فریاد دادخواهی سر دادند.

در آبادان نیز امروز جمعیت بسیاری از مردم در سالگرد فاجعه فروریزی ساختمان متروپل به خیابان آمدند و شعار دادند و سپس برای گرامیداشت یاد جانبختگان این رویداد ناگوار در خاکستان (قبرستان) آبادان جمع شدند. بنا بر خبرها شهر آبادان حالت حکومت نظامی بخود گرفته است. مردم که دزدان چپاولگر حاکم را مسبب این جنایت میدانند امروز از جمله شعار میدادند "شهدا زیر خاکند، متهمان آزادند"، و "قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان".

دانشگاهها کانون مهم اعتراضات هستند. امروز دوم خرداد ماه در دانشکده فنی و حرفه ای دخترانه شریعتی دانشجویان دانشگاه شریعتی در اعتراض به ضرب و شتم یکی از دانشجویان دختر این دانشکده توسط مزدوران حراست، تجمع و اعتراض کردند. ماجرا از این قرار است که روز گذشته اول خرداد، مامور حراست دانشگاه شریعتی تهران یکی از دانشجویان دختر را تحت عنوان "حجاب نامناسب" کتک زد. در اعتراض به این گستاخی، امروز دانشجویان شعار میدادند: "هیز تویی هرزه تویی، زن آزاده منم" و "می‌زنم می‌زنم هر آنکه خواهرم زد".

از سوی دیگر پس از انتشار خبر احکام محرومیت از تحصیل و تبعید برای هشت دانشجوی پزشکی دانشگاه تبریز به دلیل شرکت در اعتراضات دانشجویی، در شبکه‌های اجتماعی و همچنین در سطح شهر فراخوان‌هایی برای اعتراضات مردمی پخش شد. این دانشجویان احکامی شامل یک یا دو سال محرومیت از تحصیل و تبعید به شهرهای اهواز، سمنان، کاشان، ارومیه و اردبیل دریافت کرده‌اند. انتشار این خبر و همچنین اتهام محاربه برای هفت نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری در تبریز که هفته گذشته پس از برگزاری جلسه‌های دادگاه انقلاب این شهر اعلام شد، خشم و اعتراض مردم را در این شهر فراگرفته است.

در درون زندانها نیز اعتراضاتی علیه اعدامها و سرکوبگریهای حکومت جریان یافته است. یک نمونه مهم آن تحصن شماری از زندانیان سیاسی در زندان اوین است. این تحصن در ساعت شش عصر روز شنبه ۳۱ اردیبهشت آغاز شد. بنا بر خبرهای تکمیلی نرگس محمدی، سپیده قلیان، بهاره هدایت، زهره سرو، مهوش شهریاری، نسرین خضری جواد، شکیلا منفرد، ویدا ربانی سخنرانان این حرکت اعتراضی بودند. نرگس محمدی در سخنانی میگوید: "یقین دارم که اعدام‌های صورت گرفته، در شرایطی که مردم به پا خاسته و اراده قطعی شان برای پایان بخشیدن به حکومت دینی استبدادی قرار گرفته، نه تنها به خفقان و سرکوب جامعه و تداوم حکومت نخواهد انجامید، بلکه "چرخه اعتراضات" عمومی را شدت خواهد بخشید و تصمیم راهبردی رادیکال جنبش انقلابی یعنی پایان بخشیدن به جمهوری اسلامی را



روز ۲۳ مه گروهی از کارگران کارخانه داروگر تهران در اعتراض به تعویق چهار تا هفت ماه مطالبات مزدی و بیمه ای خود مقابل ساختمان قوه قضائیه تجمع کردند. شمار این کارگران صد نفر است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ خرداد ۱۴۰۲، ۲۴ مه ۲۰۲۳

تجمع و اعتراض بازنشستگان و ادامه اعتصاب رانندگان کامیون

امروز چهارشنبه ۲۴ مه جمعی از بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی شوش و اهواز برای پیگیری خواسته های معیشتی خود و اعتراض به حکم یکسال و نیم حبس برای فرزانه زیلابی وکیل بازنشستگان و کارگران، مقابل ساختمان تامین اجتماعی اهواز تجمع کردند. بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "بازنشسته می میرد ذلت نمی پذیرد" و در جلوی صف تجمع بنری بزرگ در اعتراض به محکومیت فرزانه زیلابی در دست داشتند. بازنشستگان خواستار آزادی فوری فرزانه زیلابی و بسته شدن پرونده امنیتی وی هستند.

در این روز همچنین رانندگان کامیون و کامیونداران پایانه اصفهان در اعتراض به بالا رفتن قیمت ارز و تورم افسار گسیخته و وضع بد معیشتی خود برای سومین روز دست به اعتصاب زدند. در همین رابطه قبلاً رانندگان کامیون در پایانه اراک و بندرعباس نیز اعتصاب کردند.

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا ضمن حمایت از مبارزات مردم ایران، جمهوری اسلامی را قویا محکوم کرد

کنگره کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا در قطعنامه ای در حمایت از مبارزات کارگران، زنان و مردم ایران جمهوری اسلامی را بخاطر اعمال سرکوبگرانه شدیداً محکوم کرد.

در این قطعنامه آمده است: «زن زندگی آزادی به نماد خیزش مردم ایران تبدیل شده است. مردم ایران خواهان پایان دادن به حاکمیت سرکوبگرانه جمهوری اسلامی هستند.» قطعنامه به خشونت و وحشیانه علیه خیزش مردم و دستگیری های زیاد، شکنجه و تجاوز و قتل توسط حکومت اشاره کرده و گفته است که در کنار مردم معترض ایران ایستاده و آنها را تنها نخواهد گذاشت.

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا خواهان لغو همه قوانینی شده که حقوق پایه ای زنان را نادیده گرفته است. همچنین خواهان آزادی فوری زندانیان، دادگاههای عادلانه از جمله حق انتخاب وکیل شده است. در این قطعنامه همچنین گفته شده است که ممنوعیت حق ایجاد اتحادیه های آزادی کارگری باید لغو شود و جمهوری اسلامی بعنوان عضوی از آی ال او باید با عواقب نقض استانداردهای سازمان جهانی کار مواجه شود.

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا از سیاستمداران آلمان و اروپای واحد خواسته است که از مبارزات مردم ایران حمایت کنند و فشار به جمهوری اسلامی را برای پایان دادن به دستگیری و اعدام و تعقیب فعالین افزایش دهند.

در پایان قطعنامه شعار ژن ژیان آزادی زن زندگی آزادی نوشته شده است. برگرفته از مدیای اجتماعی

تمکین دولت بلژیک به گروگانگیری جمهوری اسلامی شرم آور و محکوم است!

امروز دولت بلژیک دیپلمات تروریست جمهوری اسلامی، اسدالله اسدی را که به ۲۰ سال حبس محکوم شده بود، پس از ۵ سال از زندان آزاد کرد و به ایران فرستاد. جمهوری اسلامی هم اولیویه وندکاستیل فعال پناهندگی شهروند بلژیکی که بیش از ۱۵ ماه به گروگان گرفته و به بند کشیده بود را رها کرد.

بی شک رهایی هر انسانی از سیاهچال های جمهوری اسلامی مایه خوشحالی است اما دولت بلژیک و متحدان اروپایی اش این وجه انساندوستانه را دستمایه توجیه و پیشبرد سیاستی کثیف و غیر انسانی قرار داده اند که همانا مماشات و معامله با جمهوری اسلامی است. سیاست باج دادن به رژیم آدمکش حاکم بر ایران تنها به جری تر شدن این آدمخواران نه فقط در کشتار مردم ایران بلکه گروگان گیری های بیشتر از شهروندان کشورهای اروپا منجر خواهد شد.

نتیجه عملی این رفتار ریاکارانه و شرم آور دولت بلژیک جز تایید حکومت رو به سقوط جمهوری اسلامی و ادامه کشتار و زندان و به گروگان گرفتن انسانهای بیشتری نخواهد بود. اما پیامد این سیاست شرم آور دولت بلژیک هر چه باشد، حرف آخر را انقلاب مردم ایران خواهند زد. جمهوری اسلامی تحت فشار انقلاب مردم در حال فروپاشی است و این نوع گروکشی ها و معاملات با دولتها نه تنها از جانین حاکم بر ایران دردی دوا نخواهد کرد بلکه بر خشم و اعتراض مردم ایران و جهان علیه جمهوری اسلامی و دولتهای سازشکار با این حکومت خواهد افزود.

مردم ایران این سیاست دولت بلژیک را شدیداً محکوم میکنند و از دولتها میخواهند روابط خود را با جانین حاکم بر ایران قطع کنند. تنها راه مقابله با جمهوری اسلامی، باج گیری های آن، و معامله و مماشات با آن، اعمال فشار بیشتر و به انزوا راندن هرچه بیشتر این رژیم در مجامع بین المللی و حمایت گسترده از مبارزه مردم ایران برای سرنگونی این رژیم است.

مردم ایران با تداوم انقلاب زن زندگی آزادی و با گسترش مبارزات خود شرم جمهوری اسلامی را نه فقط از سر خود که از سر شهروندان جهان کم خواهند کرد!



حزب کمونیست کارگری ایران
۵ خرداد ۱۴۰۲، ۲۶ مه ۲۰۲۳



قاتلان جایشان در سازمان جهانی کار نیست جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود!

جمهوری اسلامی روز جمعه ۲۹ اردیبهشت معترضین جوان مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی را طبق اتهاماتی ساختگی و اعترافاتی که با شکنجه بدست آمده بود اعدام کرد. در ۱۸ اردیبهشت دو جوان دیگر بنام های یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع را بجرم "توهین به اسلام" به قتل رساند. و دو روز قبل از آن، در ۱۶ اردیبهشت، فعال سیاسی ایرانی-سوئدی حبیب اسبورد (جعب) را پس از شکنجه های وحشیانه و بیش از دو سال و نیم حبس انفرادی کشت. زندانیان بیشتری نیز طی هفته های گذشته با اتهاماتی ساختگی و اعترافاتی اجباری، در بیدادگاه هائی سیاسی، با احکامی از طرف بالاترین مراجع حکومت اسلامی و در غیاب دسترسی به وکلای مستقل، اعدام شده اند.

حکومت جنایتکار، در مانده از خاموش کردن جنبش عظیم مردمی که با شعار زن، زندگی، آزادی برای یک زندگی بدون جمهوری اسلامی پیا خواسته اند، به آخرین حربه در زرادخانه خود یعنی کشتن وحشیانه معترضین اسیر و بی دفاع روی آورده است. این اعدام ها، اما، نه تنها مردم را مرعوب نکرده، بلکه تنها بر خشم مردم و عزم شان برای ادامه مبارزه تا پایان افزوده است.

سوال این است که چگونه حکومتی که طی چند دهه عمر ننگین خود مرتکب چنین جنایات وحشیانه ای، از جمله حبس و شکنجه کارگران و فعالین کارگری، شده است، هنوز برای شرکت در کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار (آی ال او) دعوت می شود؟ این حکومت دیگر چه باید بکند، چه جنایات بیشتری باید مرتکب شود تا آی ال او و سازمان ملل بالاخره بپذیرند که این حکومت نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنهاست و باید از آی ال او و همه نهادهای سازمان ملل بیرون رانده شود؟ جمهوری اسلامی، همانطور که سال گذشته به دلیل زن ستیزی سیستماتیک و

خشونت آشکار علیه زنان از "کمیسون مقام زن سازمان ملل" اخراج شد، از سازمان جهانی کار نیز باید اخراج شود. ادامه ارتباط آی ال او با این حکومت وحشی و ضد کارگری و امتناعش از لغو شرکت جمهوری اسلامی در کنفرانس هایش، مایه ننگ برای این سازمان است.

ما از تمامی نمایندگان اتحادیه های کارگری جهان که در کنفرانس آی ال او امسال شرکت می کنند می خواهیم به کمپین اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار بپیوندند. جمهوری اسلامی جایش در هیچ نهاد بین المللی نیست، و قبل از همه، نهادی که نام کارگر بر خود دارد. و همانگونه که رژیم نژاد پرست آپارتاید آفریقای جنوبی در دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی بایکوت شد، جمهوری اسلامی نیز باید بطور کامل بایکوت شده و در سطح جهان طرد و منزوی شود.

دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران

۴ خرداد ۱۴۰۲، ۲۵ مه ۲۰۲۳

تجمع خانواده های زندانیان محکوم به اعدام و شاعردهی ها علیه اعدام



دیکتاتور، "مرگ بر خامنه ای لعنت بر خمینی". در ملایر شماری از جوانان علیه اعدامها و در حمایت از میلاد زهرهوند زندانی محکوم به اعدام شعار دهی شبانه داشتند. اشاره کنم که دیشب سومین روز از سه روز فراخوان شماری از تشکلها و خانواده های دادخواه به اعتراض علیه اعدامها را پشت سر گذاشتیم.

شب گذشته همچنین در کرج نیز شعار دهی شبانه جریان یافت و مردم معترض در همبستگی با مردم آبادان در سالگرد فاجعه متروپل شعار مرگ بر دیکتاتور و شعارهای دیگر را سر دادند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ خرداد ۱۴۰۲، ۲۴ مه ۲۰۲۳

جنبش علیه اعدام وارد فاز جدیدی شده است. امروز چهارشنبه ۳ خرداد خانواده های زندانیان محکوم به اعدام با دست نوشته هایی با مضمون "اعدام نه"، مقابل ساختمان قوه قضاییه در بلوار کشاورز تهران تجمع کردند. جمهوری اسلامی با تشدید اعدام ها میکوشد انقلاب را عقب بزند و مردم با هشتگ اعدام با هر جرمی باید متوقف شود مقابل اعدامها ایستاده و ادامه انقلاب را فریاد میزنند.

خبر دیگر اینکه دادگاه سنندج برای هشت نفر از فعالین کارگری و اجتماعی که در ۲۷ اردیبهشت در منزل پدر هومن عبداللهی از جانبباختگان انقلاب دستگیر شده بودند، قرار بازداشت موقت صادر کرد. این خبر بدنبال پیگیری خانواد های بازداشت شدگان به آنها داده شده است. اسامی این فعالین عبارتند از: کمال کریمی، شادمان عبدی، عبدالله خیرآبادی، سیروان محمودی، اقبال پیشکاری، هاجر سعیدی، خبات محمودی و حبیب الله کریمی. شواهد گویای اینست که دستگاههای سرکوبگر در حال پرونده سازی برای این فعالین کارگری و مدنی هستند.

شب گذشته در محلاتی از تهران از جمله در نواب، ودر شهرهایی چون مشهد و ملایر شاعردهی شد. در مشهد معترضین شعار میدادند: "مرگ بر

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



فولاد یکی از موضوعات اعتراضی این بازنشستگان است. خواستهای بخشهای مشترک بازنشستگان مشترک است و بارها تجمعات بزرگ سراسری داشته اند. همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای سبد هزینه ۲۵ میلیون تومانی یک مطالبه سراسری بازنشستگان است.

در این روز همچنین جمعی از معلولان در اعتراض به عدم اجرای پنج ساله قانون معلولان و عدم لحاظ حقوق افراد دارای معلولیت در برنامه توسعه هفتم کشور، مقابل مجلس اسلامی تجمع کرده و صدای اعتراض خود را به وضع نابسامان معیشتی شان بلند کردند.

تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی کارگران نفلین سینیت کلیبر بخاطر عدم انعقاد قرارداد کاری و نیز تعویق پرداخت دستمزد و حق بیمه شان بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ خرداد ۱۴۰۲، ۲۸ مه ۲۰۲۳

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان در چندین شهر و چند خبر دیگر

روز ۷ خرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز، و کرمانشاه دست به تجمع زدند و با شعارهای اعتراضی راهپیمایی کردند. این تجمع در ادامه یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان و بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده آنها صورت گرفت. بنرها و دست نوشته های بازنشستگان در این تجمعات اعتراض آنها به فقر و گرانی و بی تامینی را بازتاب میداد. یک موضوع اعتراض بازنشستگان مصوبه مزدی چند بار زیر خط فقر شورایی عالی کار جمهوری اسلامی است که مستقیماً بر مستمری آنها تاثیر میگذارد. بنرهایی با خواست درمان رایگان و شعار معیشت، منزلت، حق مسلم ماست در این تجمعات توجه ها را بخود جلب میکرد.

در این اعتراضات بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر ملت"، "رئیس هیات کن مملکت رو رها کن"، "دولت ورشکسته دشمن بازنشسته"، "زیر بار تورم شکسته پشت مردم"، "اعتراض علیه فقر و فساد"، "تنگ ماننگ ما صدا و سیمای ما"، "فقط کف خیابان بدست میاد حق مان"، "دشمن ما همین جا است دروغ میگن امریکا است"، و "نه خواری، نه ذلت مرگ بر این عدالت".

در این روز بازنشستگان صندوق فولاد البرز غربی نیز با خواست تسریع در پرداخت کامل معوقات سال ۱۴۰۰ و تکمیل همسان سازی بر مبنای ویژگیهای شاغل فولادی تجمع کردند. اختلاسها و بی سر و سامان بودن وضع صندوق بازنشستگی



جدال با جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار

شهلا دانشفر

پنجم ژوئن برابر با پانزدهم خرداد اولین روز صد و یازدهمین اجلاس سازمان جهانی کار در ژنو است. جمهوری اسلامی یکی از شرکت کننده در این اجلاس است. در حالیکه مردم با تداوم انقلاب زن زندگی آزادی بر سرنگونی جمهوری اسلامی پای میفشارند، سازمان جهانی کار بشماره میزبان حکومتی است که قاتل و سرکوبگر کارگران و مردم ایران است.

این حکومت ضد کارگر و آدمکش بخاطر همه جنایاتش علیه بشریت باید در سطح جهان بایکوت و از تمام نهادهای بین المللی از جمله سازمان جهانی کار اخراج شود. نمایندگان جمهوری اسلامی نمایندگان مردم نیستند، سرکوبگر کارگران و قاتل مردمند و جای آنها پشت میز محاکمه است.

پانزده سال است که ما کارزار علیه حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار را به پیش میبریم و هر سال بی وقفه در برابر "آی ال او" تظاهرات گذاشتیم. در چندین سال با کمک اتحادیه های کارگری جهانی در همان روز اول اجلاس این سازمان با در دست داشتن عکسهای کارگران زندانی توانستیم به درون سالن کنفرانس راه پیدا کنیم و با حمایت حضار روبرو شدیم. ما در این نشست ها پرچم جمهوری اسلامی را پایین کشیدیم. امسال نیز در پانزدهم خرداد در ژنو خواهیم بود تا صدای انقلاب زن زندگی آزادی و نماینده همه کارگران ایران در این اجلاس جهانی باشیم. امسال با دست پرتو میرویم. نامه نهاد کارگری "فری دم ناو" که من سخنگوی آن هستم با خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار (آی ال او) از سوی شماری از اتحادیه های کارگری که بعضاً بالای ۵۰۰ هزار عضو دارند، از کانادا، سوئیس، عراق و استرالیا مورد حمایت قرار گرفته است.

امسال اجلاس سازمان جهانی کار در شرایطی برگزار میشود که هشت ماه از انقلاب میگذرد. جمهوری اسلامی مهسا را فقط بخاطر بدحجابی کشت و چند صد نفر از مردم با شلیک مستقیم گلوله در جریان انقلاب به قتل رسیده اند که در میانشان حتی کودکان را می بینیم. بعلاوه چندین هزار نفر بازداشت شده اند که شماری از آنها کودک هستند. این حکایت ۴۴ سال حاکمیت حکومت آپارتاید جنسیتی و ضد کارگر جمهوری اسلامی است. امسال باید حضور مخالفین جمهوری اسلامی در ژنو و اعتراض علیه تروریستهای بین المللی صد چندان قویتر باشد و صدای اعتراض ما هر چه رساتر از ایران و در مقابل اجلاس این سازمان شنیده شود. علاوه بر پانزدهم خرداد، در نوزدهم خرداد نیز در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی میتینگ به فراخوان کمیته برگزاری آکسیون اعتراضی برگزار میشود. در آکسیون های اعتراضی مقابل سازمان جهانی کار با قدرت شرکت کنیم.

مندرج در ژورنال شماره ۴۳۲



شنبه ۱۷ ژوئن برابر با ۲۷ خرداد در ایران و جهان با برگزاری تظاهرات و میتینگ متحدانه علیه رژیم اعدام و سرکوب اعتراض کنیم و به صدای همه عزیزانی تبدیل شویم که در اسارت جمهوری اسلامی هستند و یا با خطر اعدام روبرو هستند.

در آستانه سالگرد سرکوب خونین سی خرداد ۶۰ یعنی روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران برای روز شنبه ۱۷ ژوئن برابر با ۲۷ خرداد ت در هر جا که هستید دست بکار شوید و برای آزادی زندانیان سیاسی و در اعتراض به اعدامها در ایران به میدان بیایید. بگذار این روز به نمایش قدرت مردمی متحد تبدیل شود که در دهها شهر دنیا علیه رژیم جنایتکار اسلامی صف آرایی می کنند. بگذار جمهوری اسلامی با همبستگی جهانی ما با زندانیان سیاسی و معترضین محکوم به اعدام پی برده که ما هیچگاه عزیزان خود را تنها نخواهیم گذاشت و برای آزادی فوری همه آنها تلاش خواهیم کرد. بگذار در همه جا فریاد بزنیم که جمهوری اسلامی بعنوان قاتل مردم ایران در هیچ مرجع جهانی نباید برسمیت شناخته شود و باید تماما طرد و منروى شود.

همه زندانیان سیاسی و عقیدتی باید بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند!
 مجازات شنیع و ضد انسانی اعدام تحت هر عنوان و جرمی و همه مجازاتهای قرون وسطایی اسلامی باید ملغی شوند
 همه احکام اعدام باید فوراً ملغی شوند!
 کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی (CFPPI)
 کمیته بین المللی علیه اعدام (ICAE)
 کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)
 ۴ خرداد ۱۴۰۲ - ۲۵ می ۲۰۲۳
 برگرفته از مدیای اجتماعی

در سالگرد سی خرداد شصت، روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی، برای آزادی زندانیان سیاسی به میدان بیاییم!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی (CFPPI)، کمیته بین المللی علیه اعدام (ICAE) و کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) همه شما مردم را فرا می خوانند که در سیزدهمین سالگرد اعلام روز جهانی حمایت از آزادی زندانیان سیاسی در ایران، که مصادف است با سالگرد سرکوب خونین سی خرداد ۱۳۶۰ - ۲۰ ژوئن، با برگزاری تظاهرات و همایش های گوناگون علیه موج فزاینده اعدامها در ایران و برای آزادی همه عزیزان در بند وسیعاً به میدان بیاییم. امسال در شرایطی که حکومت اسلامی با شدت دادن به اعدام و زندان و شکنجه تلاش میکند انقلاب را عقب زند، برگزاری هر چه قدرتمند تر و سراسری تر این روز اهمیت بسیاری دارد.

مناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران که ۱۳ سال پیش از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی اعلام شد، یادآور جنایات وسیع رژیم اسلامی در سی خرداد ۱۳۶۰ است که طی آن هزاران نفر از مخالفین حکومت وحشیانه قتل عام شدند. همچنین سی خرداد، روز به قتل رسیدن ندا آقا سلطان در برابر چشم جهانیان است. چهل و دو سال پس از آن سرکوب خونین، رژیم اسلامی با مردمی روبروست که با خیزش عظیم سرنگونی تمام قد در مقابل این حکومت ایستاده اند و با برپایی یک انقلاب، که تحسین جهانیان را برانگیخته است، حکومت اسلامی را به سرانگیختگی سقوط انداخته اند. رژیم اسلامی که پاسخی برای مطالبات و مشکلات عدیده مردم ندارد برای مقابله با جنبش انقلابی زن، زندگی آزادی به ریسمان اعدام چنگ انداخته است و با تشدید اعدامها و استفاده بیشتر از زندان و شکنجه می خواهد خود را از ورطه نابودی نجات دهد. بیایید که با در کنار هم قرار گرفتن این تقالهای آخر جمهوری اسلامی را به شکست بکشانیم و مسیر انقلاب زن زندگی آزادی را برای رسیدن به پیروزی قطعی هموارتر کنیم.

ما نهادهای امضا کننده این فراخوان همگان را دعوت می کنیم که در روز

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود

قتل رسیدند که ۶۰ تن از آنها را کودکان تشکیل می دهند.

همین اکنون در سیستان و بلوچستان هر روز شماری از مردم اعدام میشوند. همین اکنون هر روز مدارس دخترانه مورد حملات شیمیائی قرار میگیرند و تاکنون سه کودک در اثر این حملات به قتل رسیده اند. در زندانها به زنان و دختران و کودکان تجاوز میکنند و بسیاری را زیر شکنجه به قتل میرسانند. لیست جنایات این حکومت بسیار طولانی است.

در حکومت فاشیست اسلامی، کارگران حق تشکیل اتحادیه ها و سازمانهای مستقل خود را ندارند. کارگران کلا حق اعتصاب و اعتراض و تشکل ندارند. حداقل دفاع از کارگران و جنبش کارگری، مستلزم دفاع از اخراج این حکومت ضد کارگری از سازمان جهانی کار است. همانگونه که در دهه ۱۹۳۰ نمایندگان حکومت نازیست آلمان از آی ال او بیرون انداخته شدند، همانگونه که حکومت اسلامی در همین سال گذشته از کمیسیون مقام زن سازمان ملل اخراج گردید، امروز این حکومت باید از سازمان جهانی کار نیز اخراج شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی از همه اتحادیه های کارگری و نهادهای انساندوست در جهان میخواهد که با این کارزار بیوندند و در آستانه کنفرانس سالانه آی ال او، از اخراج این حکومت و نمایندگان از این سازمان جهانی حمایت کنند. شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی

کاظم نیکخواه: مسئول روابط بین المللی
 کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) برگرفته از مدیای اجتماعی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FREE THEM NOW) برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار مبارزه میکند. حضور این حکومت ضد کارگر، ضد انسان، جنایتکار و آدمکش در سازمانی که نام کارگر را با خود حمل میکند شرم آور است.

پایه های این حکومت بر اعدام و کشتار کارگران و مردم گذاشته شده است. اعدام کودکان، سازمان دادن تروریسم در سطح بین المللی، شلیک موشک به هواپیمای مسافربری اوکراینی و کشتار ۱۷۷ سرنشین آن در دی ماه ۹۸، کشتار هزار و پانصد نفر در خیزش مردمی در آبان ۹۸، و کشتار صدها نفر در خلال خیزش زن زندگی آزادی، هرکدام به تنهایی برای دفاع از اخراج این حکومت از سازمان جهانی کار و بایکوت جهانی آن کافی است.

جمهوری اسلامی در شهریور ۱۴۰۱ مهسا امینی را فقط بخاطر حجاب به قتل رساند. در اعتراض به این جنایت مردم با خشم و نفرت انباشته شده طی ۴۴ سال حاکمیت رژیم فقر و جنایت و سرکوب به خیابان آمدند و این سرآغازی برای انقلاب زن زندگی آزادی شد. حکومت با سرکوب و کشتار مقابل مردم ایستاد و در نتیجه صدها زن و مرد و حتی کودک به قتل رسیدند. بنا بر آمارهای منابع بین المللی طی ۵ ماه اول این انقلاب بیش از ۵۰۰ نفر مستقیماً با شلیک گلوله مزدوران حکومت به



بیش از هشتاد نفر از خانواده های دادخواه ساکن ایران در بیانیه ای خواستار توقف احکام اعدام شدند **به اعدام عزیزانمان پایان دهید!**

بیش از چهل و سه سال است که زخم عمیق اعدام و کشتن انسانها بنا به احکام دولتی تن و بدن جامعه ما را خنجر میزند و هر روز زخم عمیق تری بر جانمان می افکند.

متوقف کنید. همه احکام اعدام را فوراً لغو کنید. اعدام به هر عنوان و هر جرمی باید متوقف شود. دیگر نمیگذاریم عزیزانمان را بکشید.

ما دادخواهان از شما انسانهای شریف و همه تشکلهای مطالباتی و همه نهادهای مدافع حقوق انسان در سراسر دنیا میخواهیم برای لغو احکام اعدام و نجات جان عزیزانمان با ما همصدا شوید و از هر راهی که میتوانید برای توقف احکام اعدام در ایران تلاش کنید. همانطور که بارها گفته ایم ما همه با هم هستیم و متحد و یکصدا خواهان لغو احکام اعدام هستیم. اعدام نکنید

کشتن انسانها فقط به احکام اعدام محدود نمیشود و در هر دوره ای با کشتن انسانهای بیگناه در خیابان تنها به جرم اعتراض و برای مقابله با حق خواهی مردم تحت ستم و تبعیض و برای ایجاد جو رعب و وحشت بسیاری از خانواده ها را داغدار کرده و به صف دادخواهان کشانده است.

و امروز شاهد موج وسیع اعدام به عناوین مختلف، در انتقام گیری از مردم معترض که با فریاد حق خواهی زن زندگی آزادی به خیابان آمده اند، هستیم. ما خانواده های دادخواه که زخم عمیق از دست دادن عزیزانمان را چه در خیابان و چه در چوبه های دار، بر تن و روحمان داریم، فریاد میزنیم اعدام و کشتن انسانها را

امضا ها

- | | | | |
|--------------------------|--------------------|----------------------|--------------------------|
| ۷۱- نیلی معارفی. | ۵۷- سیماوفا | ۲۹- خدیجه مقدم | ۱- پروانه آل بویه |
| ۷۲- عبدالله معارفی. | ۵۸- اکرم عبدوس | ۳۰- اکرم نوری | ۲- فرزانه محبوب |
| ۷۳- اکبر معارفی | ۵۹- عباس خدا دادی | ۳۱- مهین نوری | ۳- جابر نجفی |
| ۷۴- سمیرا فرهادی | ۶۰- سمین خدا دادی | ۳۲- خیرالله نوری | ۴- محمد علی نوری |
| ۷۵- علی فرهادی | ۶۱- حمید گوثری | ۳۳- نینا موسوی | ۵- حوریه فرج زاده طارانی |
| ۷۶- اصغر فرهادی | ۶۲- اکرم کوثری | ۳۴- ارغوان موسوی | ۶- ماشالله کریمی |
| ۷۷- فاطمه مجتبابی نیکی | ۶۳- معصومه نایب | ۳۵- مریم عینی | ۷- راحله راحمی پور |
| ۷۸- شیرین سلیمی | ۶۴- مسعود شکاری | ۳۶- حسین موسوی | ۸- اکرم مصباح |
| ۷۹- نصرت فرهادی | ۶۵- لیلیا سیف الهی | ۳۷- میترا ابراهیمی | ۹- منصوره خسروشاهی |
| ۸۰- ارین شیر بیشه | ۶۶- پروانه راد | ۳۸- دنیز توپچی | ۱۰- فاطمه مهدی زاده |
| ۸۱- محمد کریم بیگی | ۶۷- ناهید صائب فر | ۳۹- زهرا سرحدی زاده | ۱۱- شهرام مجدم |
| برگرفته از مدیای اجتماعی | ۶۸- اکرم نصیریان | ۴۰- فاطمه سرحدی زاده | ۱۲- فرشته مجدم |
| | ۶۹- محبوبه کریمی | ۴۱- مرسله معنوی پرست | ۱۳- فایزه مجدم |
| | ۷۰- زهرا رفیعی | ۴۲- مژگان معنوی پرست | ۱۴- مهناز کریمی |
| | | ۴۳- مجید معنوی پرست | ۱۵- سکینه احمدی |
| | | ۴۴- شیدا رجبی | ۱۶- علی کتابدار |
| | | ۴۵- نسیم کلهری | ۱۷- مرتضی دامور |
| | | ۴۶- بشیر معنوی پرست | ۱۸- فرشته جهانگیری |
| | | ۴۷- محبوبه رمضایی | ۱۹- مهدی شهبازی |
| | | ۴۸- همایون کلهری | ۲۰- رضا سلمان زاده |
| | | ۴۹- مه روز کلهری | ۲۱- بی بی زهرا بختیاری |
| | | ۵۰- نیکو نیکویی | ۲۲- صبا بختیاری |
| | | ۵۱- فرزانه برزه کار | ۲۳- مهرداد بختیاری |
| | | ۵۲- اقدس رضایی | ۲۴- آصف بختیاری |
| | | ۵۳- مرضیه مقدم | ۲۵- احترام شکوری |
| | | ۵۴- پیمان رضایی | ۲۶- ناهید خداجو دادخواه |
| | | ۵۵- جیران احمدی | ۲۷- ثریا یوسفی |
| | | ۵۶- هما وفا | ۲۸- اکرم نقابی |

تظاهرات بزرگ مردمی در زاهدان

امروز جمعه ۵ خرداد مردم در زاهدان همچون جمعه های قبل و در تداوم انقلاب در جمعیت بزرگی به خیابان آمدند و صدای اعتراض خود را به سرکوبگریهای حکومت و اعدام بلند کردند. در این اعتراضات مردم شعار میدادند: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر سپاهی"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر بسیجی"، "مرگ بر حکومت اعدامی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد". زاهدان یک کانون داغ اعتراض و جبهه قدرتمندی علیه اعدام و زندان و سرکوبگریهای حکومت است. شمار بسیاری از مردم این استان در جریان اعتراضات دستگیر و زندانی و یا به قتل رسیده و بیشترین اعدامها را داشته است. از مبارزات مردم در سیستان و بلوچستان باید فعالانه حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ خرداد ۱۴۰۲، ۲۶ مه ۲۰۲۳